

### تفاوت با شخصیت تاریخی

در سریال مختارنامه، عبدالله بن زبیر با شکمی بزرگ به تصویر در آمده که میل زیادی به خوردن دارد. در صحنه‌ای وقتی با برادرش کنان سفره نشسته و لقمه‌هایی سنگین برمی‌دارد، مصعب می‌گوید: «ز یاده میل کننیکد اخوی جان! می‌ترسم خدای نکرده دچار نقل مزاج شوید» و عبدالله پاسخ می‌دهد: «نمی‌توانم مصعب! نمی‌توانم، تا سفره پهن است، وسوسه‌ام می‌کند، طعام تنها شیطنانی است که نمی‌توانم از بند آن رها شوم.» البته این موضوع از ویژگی‌های نقش عبدالله بن زبیر در سریال مختارنامه است و گر نه در نقل‌های تاریخی چنین نیست و برعکس در برخی منابع اهل سنت ازجمله اسدالغلبه ابن اثیر، آمده که عبدالله گاه ۷ روز پیاپی روزه می‌گرفت (افطار نمی‌کرد) و روزه جمعه را به جمعه بعدی وصل می‌نمود. یا گفته شده عبدالله در ماه رمضان فقط در نیمه‌ماه افطار می‌کرد.

به‌نظر می‌رسد کاراکتری که در سریال خلق شده برای ایجاد شباهت با امرای فعلی و برای مناسب‌سازی و ارجاع به شخصیت‌های امروزی به این وضعیت در آمده و شاید نویسنده و کارگردان سه منابعی دیگر در تاریخ استناد داشته‌اند که چنین بوده است.



عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر

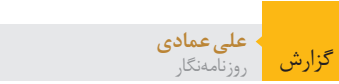
عبدالله بن زبیر

## فرهنگ



# چهره‌ای بی‌نقاب از خط سوم

نگاهی به نقش عبدالله بن زبیر در سریال مختارنامه



علی عمادی

روزنامه‌نگار

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

علی عمادی

ناصحیح از وحی و شریعت است در هر دو گروه به‌خوبی دیده می‌شود؛ هر چند که زبیریان هم، خوارج را تابع نمی‌آورند و در سریال مختارنامه می‌بینیم که وقتی خوارج برای حفاظت از کعبه، حاضر به جنگ با امویان در کنار زبیریان می‌شوند، عبدالله بن زبیر مذاکره با آنان را به مختار محول می‌کند و در باره‌شان می‌گوید: «من زبان این جماعت را نمی‌فهمم. من با دیدن این جماعت، نقل مزاج می‌گیرم.»

نقش عبدالله بن زبیر در سریال مختارنامه براساس واقعیت‌های تاریخی و آنچه در این سریال شکل گرفته دارای ویژگی‌هایی است که می‌توان آنها را مورد دقت قرار داد.

**دشمنی با آل علی(ع)**

زبیر از یاران نزدیک پیامبر(ص) و خاندان عصمت و طهارت بود اما با ماجرای جنگ جمل در کنار طلحه و عایشه، مقابل امیرالمومنین علی(ع) ایستاد. با این حال زبیر پس از مذاکره با علی(ع) از جنگ پشتیبان شد ولی همین عبدالله بن زبیر، برای تحریک پدر، او را ترسو خطاب کرد. در حدیثی از حضرت علی(ع) نقل است که «زبیر با ما اهل بیت بود تا آنکه پدر نفس‌اش بزرگ شد.» این حدیث در سریال مختارنامه از زبان محمدبن حنفیه، پسر امام علی(ع) هم شنیده می‌شود. کینه عبدالله بن زبیر از آل علی در همین حد نمانده و در دوره خلافتش، بارها روی منبر علی(ع) یافز رنشد محمد حنفیه را ناسزا گفته است. نقل است که «۴۰ هفته در خطبه نماز-جمعه از ذکر صلوات برهیز کرد چون معتقد بود هاشمیان باشتین صلوات گردن می‌کشند (به آن افتخار و مهابت می‌کنند. امیربقرای این نقل را در صحنه‌ای از سریال مختارنامه به تصویر درآورده است. در این صحنه که گوئی در روژبای مختار می‌گذرد، محمد حنفیه، مختار و تعدادی دیگر از

بنی هاشم و علویان را به دست‌ور عبدالله بن زبیر در دره‌ای به تیرک‌های چوبی بسته‌اند تا آنها را بسوزانند. در این صحنه صدای عبدالله بن زبیر شنیده می‌شود که صلوات نمی‌فرستم تا هاشمیان گردن نکنند و سینه‌سپر نکنند. البته نماند که عبدالله بن زبیر در نقل‌های تاریخی هاشمیان را که حاضر با بیعتش نشدند، به سوزاندن یا گردن زدن تهدید کرده و محمد حنفیه و ۷۷ اتن از هاشمیان را در جوار زمزم در خیمه‌ای حبس کرده بود تا با او بیعت کنند. در سریال مختار هم محمد حنفیه او با آنکه این فلسفه را همان بت پرستی جاهلیت می‌خواند اما فرمایش وقتی برای مصالحه با لشکر شاه، فرماندهان سپاه مکه را برای مشورت جمع کرد، قابل اعتراض نبوده و او داشت تا نزد عایشه شهادت دهند که آن نراهی حلقه بعد دست‌ور به حبس او در سجاور زم زم می‌دهد.

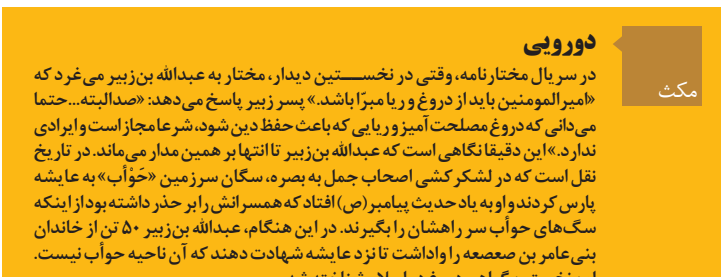
عبدالله بن زبیر به خونخواهی امام حسین(ع) مردم حجاز را کرد و جمع کرد و از آنان برای خلافتش بیعت گرفت اما با قاتلان آن حضرت مناسبات کرد و امرایش در کوفه پسر زبیر آنگونه که در سریال مختارنامه مشاهده می‌شود، در ظاهر به ظواهر امور عبادی توجه کافی دارد و حتی به انجام مستحبات و برهیز را مکروهات اصرار می‌ورز ولی این توجه صرفاً به پوسته‌بن است و چندان دل به عبادت ندارد. هنگام سخن گفتن با خاتمه همسر جوان برادرش – که به خاطر شباهت او به عایشه، خاله‌اش او را عزیز می‌دارد – در ظاهر خود را مشغول تلاوت قرآن نشان می‌دهد اما در حقیقت حواسش حتی به این است که برادرانش در پس پرده غل پوش ایستاده‌اند.

پنهان کرده‌ام»، او از آل علی(ع) به خاطر فضائل و خصلات آنان واهمه داشتست و تا امام حسین(ع) در مکه بود، جرأت به اعلام خلافت نیافت، چه آنکه نوه پیامبر(ص) از هر حیث در خلافت بر او چنان داشت. مسعودی در تاریخ خود آورده است: «بن زبیر اقامت حسین(ع) را در مکه خوش نداشت. پدر زبیر مد خلافت را با یاری برابر نمی‌گرفتند و به‌نظر او چیزی دل پسندتر از آن نبود که حسین(ع) از مکه بیرون رود، بدین جهت پیش وی رفت. حسین(ع) گفت: قصد دارم به کوفه بروم. گفت: خدا تو را به توفیق دهد اگر من آنجا پاران می‌مثل تو داشتیم از کوفه چشم نمی‌پوشیدم. آنگاه از بیم آنکه امام بدگمان شود گفت: اما اگر اینجا بمانی و ما

و اهل حجاز را به دعوت خود بخوانی می‌پذیریم به دور تو مقرر می‌شود که از یزید و پدر زبیر مد خلافت شایسته‌تری.» امام حسین(ع) در توضیح دلیل نماندن خود در مکه، به حدیثی از پیامبر خدا(ص) مستند دانست که ظهور گفته‌تری را در مکه پیش بینی کرده بود که باعث شکستن حرمت مختار کعبه می‌شود. گمانی‌کرده اینگونه شد و با وجود عبدالله بن زبیر، امویان دو بار به محاصره مسجدالحرام پرداخته و با سنگ و گوی‌های آتشین موجب هتک و تخریب بخشی از کعبه شدند و در دومین محاصره، عبدالله بن زبیر کشته شد. در سریال مختار نامه هم مشاهده می‌شود که وقتی مختار در نخستین برخورد، با زبیریان بیعت نمی‌کند، عبدالله بن زبیر به برادرانش توصیه می‌کند که مراقب رفت‌وآمدهای مختار باشند چون مختار از خطر امویان برای حکومت آنها بیشتر است. این دقیقاً همان نگاهی است که حاکمان فعلی کشورهای عربی به شیعیان و ایرانیان دارند و خطر آنان را از غاصبان صهیونیست بیشتر می‌پندارند.

**فلسفه‌یابی**

عبدالله بن زبیر، که بنا به نقل‌های تاریخی سخوری دره‌ای به تیرک‌های چوبی بسته‌اند تا آنها را بسوزانند. در این صحنه صدای عبدالله بن زبیر شنیده می‌شود که صلوات نمی‌فرستم تا هاشمیان گردن نکنند و سینه‌سپر نکنند. البته نماند که عبدالله بن زبیر در نقل‌های تاریخی هاشمیان را که حاضر با بیعتش نشدند، به سوزاندن یا گردن زدن تهدید کرده و محمد حنفیه و ۷۷ اتن از هاشمیان را در جوار زمزم در خیمه‌ای حبس کرده بود تا با او بیعت کنند. در سریال مختار هم محمد حنفیه او با آنکه این فلسفه را همان بت پرستی جاهلیت می‌خواند اما فرمایش وقتی برای مصالحه با لشکر شاه، فرماندهان سپاه مکه را برای مشورت جمع کرد، قابل اعتراض نبوده و او داشت تا نزد عایشه شهادت دهند که آن نراهی حلقه بعد دست‌ور به حبس او در سجاور زم زم می‌دهد.



مکت

**دورویی** در سر یال مختار نامه، وقتی در نخستین دیدار، مختار به عبدالله بن زبیر می‌گردد که «امیرالمومنین باید از دروغ و ریاضت‌پاشند.» پسر زبیر پاسخ می‌دهد: «صدالیه…حتما می‌دانی که دروغ مصلحت‌آمیز رویایی که باعث حفظ دین شود، شرعاً مجاز است و ایرادی ندارد.» این دیدگانهایی است که عبدالله بن زبیر تا انتها بر همین مدار می‌ماند. در تاریخ نقل است که در لشکر کشی اصحاب جمل به بصره، سگان سرزمین «حُواب» به عایشه پارس کردند و او به یاد حدیث پیامبر(ص) افتاد که همسرانش را بر حذر داشته بود از اینکه سگ‌های حواب سر راهشان را بگیرند. در این هنگام، عبدالله بن زبیر ۵۰ تن از خاندان بنی‌عمر بن صعصعه را واداشت تا نزد عایشه شهادت دهند که آن نراهی حلقه بعد دست‌ور به حبس این نخستین گواهی دروغ در اسلام شناخته‌شد.

در نخستین دیدار مختارنامه دورویی این زبیر به کرات دیده می‌شود و منشی و روش او در این زمینه در رفتار برادران و کارگزاران حکومتی وی تکرار می‌شود. در مواجهه با مختار، او را اسپهسالار لشکر همراه با عناوین و القابی مطنطن خطاب می‌کند اما در خفا به برادرش مصعب، می‌گوید که وقتی به شکار نهنگ می‌روی، چاقویی در آستین مخفی نما و کاری کن که نهنگ تو را ببلعد. وقتی در شکم نهنگ بودی، شکمش را پاره کن و بیرون بیا. در فصلی دیگر وقتی محمد حنفیه را احضار می‌کند، حاجب دربارش را مرموزی عتاب خطاب می‌کند که چرا با احترام با او برخورد نکردی در حالی که چند لحظه بعد دست‌ور به حبس او در مجاور زم زم می‌دهد.

عبدالله بن زبیر به خونخواهی امام حسین(ع) مردم حجاز را کرد و جمع کرد و از آنان برای خلافتش بیعت گرفت اما با قاتلان آن حضرت مناسبات کرد و امرایش در کوفه پسر زبیر آنگونه که در سریال مختارنامه مشاهده می‌شود، در ظاهر به ظواهر امور عبادی توجه کافی دارد و حتی به انجام مستحبات و برهیز را مکروهات اصرار می‌ورز ولی این توجه صرفاً به پوسته‌بن است و چندان دل به عبادت ندارد. هنگام سخن گفتن با خاتمه همسر جوان برادرش – که به خاطر شباهت او به عایشه، خاله‌اش او را عزیز می‌دارد – در ظاهر خود را مشغول تلاوت قرآن نشان می‌دهد اما در حقیقت حواسش حتی به این است که برادرانش در پس پرده غل پوش ایستاده‌اند.

حمله به کعبه است، همین فلسفه را علیه او به پشتوانه اعتقاد می‌گیرد و می‌گوید: «قول و قرار ما به پشتوانه اعتقاد به خدای واحدی بود، شیخا که فی‌الحال نه تو خدای مرا می‌فهمی و نه من خدای تو را.» خدای تو مَصْر است که تقاض بی‌حرمتی به خانه‌اش را تو از بند گانش بگیری، اما خدای من تقاض بی‌حرمتی به خانه‌اش را خود ستاند.» جالب آنکه سر کرده خوارج پس از این سخنان به قیله حاجات قسم می‌خورد که عبدالله بن زبیر یک ابلیس است.

سختان عبدالله بن زبیر در نخستین مواجهه در سریال با مختار، به نوعی مانیفست اوست و طرز فکر و اعتقاد و روش حکومتداری‌اش را عیان می‌کند. در اعتراض مختار به تخت سلیمانی عبدالله، پسر زبیر حکمت ابن اشرافیت و زرق و برق بار گاهش را عالم کردن کعبه ماقبال کاب سبز امویان و مسجد اعظم دمشق می‌داند و آن را بهترین روش برای به رخ کشیدن قدرت و اقتدار حکومتش می‌خواند. عبدالله به مختار می‌گوید: «من با تمام اختلاف نظرهایی که با مسلک علی داشته و دارم، اقرار می‌کنم که سادگی جایی در عراق غرب و یزید به همراه ابوتراب به خاک سپرده شد. فرق علی را چشمش ظاهر بین مردم شکافت نه مشمشیر ابن ملجم مرادی. حسین را همان‌هایی کشتند که عقل شان به چشم‌شان بود. حالا.»

تو اتمثال تو دم از دیانت و عدالت و سادگی بزبید.» مختار در پاسخ به این اظهار می‌گوید: «پس درد شما هم درد دین نیست؟ چه فرقی هست بین آل زبیر و آل امیه وقتی بناسد بر یک شیوه حکومت کنند؟» این امثال عمر و یزید یک روش فکر می‌کنند، برای چه با او مخالف هستی؟» و پسر زبیر پاسخی می‌دهد که وجه دیگری از افق دید او را نشان می‌دهد، او یا تیر، فریاد می‌زند: «ما به یزید بر سر شریعت مشکل داریم، مسلمان! ما به یسایست او که معتزض حکومت، به دیانت او معتزض. می‌زید شرب خمر می‌کند؛ یزید قمار می‌کند؛ یزید لهسو و لعب می‌کند. یزید سگ‌بازی می‌کند، میمون بازی می‌کند؛ یزید نماز را سبک می‌شمارد. چنین امیرالمومنینی، خونش مباح است.»

آنچه عبدالله در مذمت یزید می‌خواند همگی نودهای عینی از دیانت هستند که هر چند عدم‌بایندی به آنها نشانده فسق است اما وقتی پای سیاست و برخورد با مخالفان با مردم می‌رسد او اعتراضی به ظلم و بی‌عدالتی یزید و آل امیه ندارد چون شیوه حکومتش نیز بر همین متوال است. در سریال به زیبایی نشان می‌دهد تفاوت حکومت علوی با اموی یا زبیری فقط در ساده زیستی یا دیانت امیرالمومنین و ولایتش نیست؛ مهم‌ترین اختلاف در این حکومت ظلم سنتزی و احقاق حقوق مظلومان است؛ اینجا که مولا علی در خطبه ششگوشه فرمودند: «گر نبود حضور آن جمعیت و تمام شدن حجت با وجود یار و یاور، و اگر نبود که خداوند از خدایان پیمان گرفته‌دهد، رعایت که بر سیری ستمگر و گرسنگی ستم‌سپرده رعایت ندهند، هر اینکه مهار شتر خلافت را بر شانه‌اش می‌انداختم.»

شکل دیگر عوام‌فریبی پسر زبیر در حمله لشکر شام به مسجدالحرام و آتش گرفتن کعبه معلوم می‌شود. در تاریخ یعقوبی آمده است که ابن زبیر آتش را خاموش نکرد تا مردم مکه را علیه سپاه شام مصمم سازد. در سریال مختارنامه نیز این واقعه به شکل زیبایی به تصویر در آمده است؛ در آن هنگامه که کعبه در حال سوختن است، عبدالله بن زبیر با خودش نجوا می‌کند که: «باید برای معجزه نکردن کعبه حکمتی ببیایم و گر نه سخت‌مضریم.» سپس به برادرش مصعب که کنارش ایستاده می‌گوید: «کعبه باید بسوزد، این روشن‌ترین دلیل کفر یزید است. به خدا سوگند اگر آتش به‌خودی خود به کعبه می‌افتاد آن را پیراهن عثمان می‌کردم و به جان یزید می‌انداختم.» و سپس به مختار که سعی دارد اطفای حریق کند، می‌گوید: «مصلحت باشد، خداوند قادر است آتش را گلستان کند؛ کعبه باید بسوزد تا همه بداندند یزید کفر مطلق است و مثقالی به خدا و خانه‌اش ایمان ندارد.» مختار بر آشفته می‌گوید: «پناه هر ایمان‌ناهی‌ها در جور منطقی است؟ شماها با یزید چه جور مسلمانی هستی؟»

## هلم‌شهری

### تلاش برای باور پذیری

نگاهی به بازی رضا کیانیان در نقش عبدالله بن زبیر

رضا کیانیان سعی کرده نقش عبدالله بن زبیر را خاکستری به نمایش بگذارد و وجوه مثبتی در ایسن کار کارا کتر بگنجاند تا به باورپذیری نقش کمک کند. با این حال پرسونازی که در فیلمنامه خلق شده کمتر مجالی برای کیانیان گذاشته است. کیانیان در گفت‌وگوی رادیوبی، با مرحوم مهران دوستی، هنگام بخش این سریال در این باره گفته: «بعد از خواندن نقش، از آقای میربقرای پرسیدم، این شخص چه چیزی را از یاد دوست داشته و علاقه‌های شخصی‌اش چه بوده است و او گفت، در تاریخ آمده که عبدالله بن زبیر غذا خوردن و نماز خواندن را دوست داشته است من هم پیشنهاد دادم که همین وجه خصوصی این آدم به فیلمنامه و شخصیت اضافه شود؛ چرا که معتمد وقتی این لحظات خصوصی سریال صحنه‌هایی را می‌دیدیم که مثلاً این آدم نماز می‌خواند اما ربا هم می‌کند یا غذا می‌خورد، می‌خورد تا جایی که دل در بگیرد اما باز نماز می‌خواند و حتی منزلش مشرف به قیله بوده است.»

عبدالله بن زبیر مختارنامه از جهت ظاهر هیچ ارتباطی با عبدالله بن زبیر واقعی ندارد. در تاریخ او را سیه چرده با صورتی بدون مو توصیف کرده‌اند که شبیه‌ترین فرد به پدر بزبرگ مادری‌اش ابوبکر بوده. با این حال ششمالی برای عبدالله بن زبیر خلق شده که در راستای هدف سریال باشد، با آن شکم برآمده و میل مفرط به غذا که بنا به نقل‌های تاریخی پسر زبیر چنین نبوده است. خود کیانیان در همان گفت‌وگو خاطره جالبی درباره دماغ کج این کاراکتر دارد: «در تاریخ، کجی دماغ زبیر وجود ندارد؛ اما بنده به آقایان اسکندری ا مطرح گریم سریال ا و میربقرای پیشنهاد دادم که دماغ این نقش کج باشد؛ چرا که مطمئن بودم همین دماغ کج می‌تواند باعث تفاوت و جذابیت شود و وقتی آقای میربقرای توجهی خواست تا کجی دماغ را بپذیرد، گفتم، می‌توانی در یکی از قسمت‌ها دیالوگی بگناری که به دوستانش بگویی، من هر وقت کجی دماغ خود را می‌بینم به راه راست ایمان می‌آورم و ایشان هم با خنده دماغ گریم را بپذیرفتند.»

مهم‌ترین وجه بازی کیانیان در باورپذیری نقش اما چندان ارتباطی با این شمایل طراحی نشده ندارد و به جنس بازی خود کیانیان مربوط می‌شود. نوع بازی او در این سریال مثل بیشتر کارهایش استفاده مناسب از لحن همراه با مفقاری اغراق در کیفیت چهره و استفاده از بدن است که گاهی میزانشن تصویر را به سمت صحنه تئاتر می‌برد.

افزون بر چشم‌هایش که مکرر و حلیسه از آن می‌بارد، وقتی در مختار نامه برای او هیکلی فریه در نظر گرفته‌اند، شکم بزرگ زرد راه رفتن، احساس می‌شود. وقتی بر کرسی‌اش لم می‌دهد و می‌خواهد پیش آید، با خیزهای کوتاه و نفس‌نفس‌ن از دست‌هایش را تکیه می‌دهد و خود را می‌کشد تا چاقی‌اش کمال‌دیده شود. اشتباهی سیری‌ناپذیر نقش با لقمه گرفتن‌های دست، یاد گلوه‌ای‌اشی از برخوردی با یزید بر نمایش اجرا می‌شود. وقت صورتش حس می‌شود، وقت عصبانیت یا جدل، ناخودآگاه شکمش را می‌خاراند و هنگامی که می‌خواهد خود را بخورد